یاد یاران

پیکر داریوش صفوت تشییع شد

وداع با «ارسطو»ی موسیقی ایران

● **شرق:** بهشت سکینه کرج، صبح روز گذشته میزبان جمع زیادی از دوستان و شاگردان «داریوش صفوت» بود که آمده بودند او را به سمت خانه ابدی بدرقه کنند. شمار زیادی از اهالی فرهنگ و هنر از جمله هوشنگ و اردشیر کامکار، حمید اسفندیاری، سیدعباس سجادی، فاضل جمشیدی، محمدعلی بهمنی، داریوش پیرنیاکان، فرمان مرادی، علی‌اکبر شکارچی، محمد مقدسی، رضا شفیعیان، شهرام صارمی، علی مرادخانی، هومان اسعدی، محمدرضا اصلانی و... گردهم آمدند تا پیکر استاد پیشکسوت موسیقی را بدرقه کنند. به گزارش ایسنا، در این مراسم فاطمه واعظی (پریسا)، که حدود ۴۰ سال شاگرد داریوش صفوت بوده، طی سخنانی گفت: استاد صفوت فقط معلم من نبود بلکه پدر هنری‌ام بود و هرچه از موسیقی دارم از او دارم. او در موسیقی دستم را گرفت. این خواننده ادامه داد: «روزی از اسکندرمقدونی پرسیدند که بین پدر و استادت کدام‌یک را ترجیح می‌دهی؟ اسکندر که شاگرد ارسطو بود در پاسخ

گفت: استادم را ترجیح می‌دهم. راست هم می‌گفت چرا که استاد است که تربیت می‌کند، رشد می‌دهد و از بیراهه رفتن نجات می‌دهد و این استاد بزرگ خیلی‌ها را از بیراهه رفتن نجات داد.» وی افزود: «چه در زمینه موسیقی و چه در زمینه معنویت و اخلاق زنده‌یاد صفوت، کسانی که بضاعت علمی دارند باید از او صحبت کنند چرا که موسیقی از دیدگاه او تنها صوت، ملودی و ردیف نبود، موسیقی برای او ابزاری برای توجه به عالمی دیگر بود، ابزاری برای درخود فرو رفتن و تزکیه نفس بود.» در بخش دیگری از این مراسم داوود گنجه‌ای از دیگر شاگردان زنده‌یاد صفوت در سخنانی مطرح کرد: کوتاه اما با عشق برای مرشدم سخن می‌گویم. همچنین به خانواده صفوت و همه مردم ایران به‌ویژه موسیقیدان‌ها از طرف خودم و شورایعالی خانه موسیقی تسلیت می‌گویم. او ادامه داد: «من داوود گنجه‌ای ۵۰سال ثمره عشق صفوت هستم. سال ۴۶ در دانشگاه تهران با این مردم روبه‌رو شدم. او درس‌های زیادی به من داد از جمله اینکه می‌گفت هیچ‌گاه نترس همیشه راست بگو و دنبال شهرت نرو. او به معنای واقعی معلم اخلاق بود.» گنجه‌ای در حالی که بغض گلویش را گرفته بود، گفت: «من پدرم را از دست دادم. صفوت مرد اخلاق و عرفان بود مردی که در مکتب حضرت امیر بزرگ شده بود، او دروغ نمی‌گفت و همیشه از اخلاق و دوستی سخن می‌گفت و هم‌اکنون پندارم قبول نمی‌کند که دکتر صفوت میان ما نیست. اگر یک مرد یکرنگ و یک‌پهلو وجود داشته باشد آن دکتر صفوت بود.» محمد موسوی، نی‌نواز پیشکسوت هم به عنوان یکی دیگر از شاگردان دکتر صفوت گفت: از خیل هنر بادگساران همه رفتند / رو بار سفر بند که یاران همه رفتند. دکتر صفوت هم رفت، همه می‌رویم. این هنرمند در ادامه با ساز خود قطعه‌ای را در دشتی و در گوشه غم‌انگیز نواخت. داریوش صفوت هفتم آذرماه سال ۱۳۰۷ در شیراز، در خانواده‌ای اهل فرهنگ و هنر متولد شد. صفوت سال ۱۳۲۶ در وزارت دارایی اشتغال یافت و تحصیلات دانشگاهی را در رشته حقوق دانشگاه تهران آغاز کرد. وی به تکمیل هنر موسیقی نزد استاد ابوالحسن صبا پرداخت و این ارتباط را به مدت ۱۰سال، یعنی تا پایان عمر استاد صبا، ادامه داد. او روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین‌ماه بر اثر ایست قلبی در سن ۸۵سالگی در شهر کرج دار فانی را وداع گفت.

هنر هفتم

«برف روی کاج‌ها» در انتظار اکران

فیلمی در دفاع از کیان خانواده

فرانک آرتا

● فیلم «برف روی کاج‌ها» به کارگردانی «پیمان معادی» و تهیه‌کنندگی «سیدجمال ساداتیان» از جمله فیلم‌های مطرح این روزهاست که با چالش‌های زیادی در اکران عمومی مواجه شده است. دعواهای میان حوزه هنری و سازمان سینمایی بر سر این فیلم و پنج فیلم سینمایی دیگر که به فیلم‌های «تحریمی حوزه هنری» معروف شده‌اند، با وجود پیام اخلاقی و ساختار سینمایی‌اش همچنان سرنوشت مبهمی دارد. هرچند که قرارداد آن توسط شورای صنفی نمایش جهت اکران در سینماها منعقد شده ولی تا امروز در چم‌وخم اکران گیر کرده است. منتقدان محتوایی این فیلم، اتهام بی‌اخلاقی را دستمایه کارشان قرار داده‌اند، در حالی که می‌توان گفت یکی از اخلاقی‌ترین فیلم‌های این سال‌ها همین فیلم است که در دفاع از کیان خانواده و روابط انسانی با زبان سینما توانسته حرف و پیام خود را به مخاطب منتقل کند. شاید دلیل درک نشدن فیلم، توجه نشدن به فرم و ساختار فیلم است که مسایل انسانی در چارچوب و قاب خانه بررسی شده. «برف روی کاج‌ها» در جشنواره فیلم فجر دوسال گذشته، جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را دریافت کرد. امید است طبق قرارداد منعقد شده، چهارشنبه این هفته شاهد پخش فیلم در سالن‌های سینما و نظاره‌گر آفیش فیلم در سر سینما آزادی باشیم.

خبر اول

عکس: شرق

۵ ایرانی تبار در فهرست نامزدهای «کن» ۲۰۱۳

«گذشته» فرهادی به «نخل طلایی» می‌اندیشد

شرق: ۶۶ عدد خوش‌یمنی برای اروپایی‌ها نیست. اما این عدد به نظر می‌رسد که قرار است برای سینمای ایران شگون داشته باشد و بخت پنج کارگردان ایرانی‌تبار را در مهم‌ترین رقابت سینمایی جهان رقم بزند. اصغر فرهادی، محمد رسول‌اف، نوید دانش، آناهیتا قزوینی‌نژاد و علی عسگری کارگردانانی هستند که با فیلم‌های خود در بخش‌های مختلف شصت‌وششمین جشنواره فیلم «کن» شرکت کرده‌اند. اما در میان اینها همه چشم‌ها به اصغر فرهادی و «گذشته»اش است که در بخش اصلی یعنی رقابت برای کسب نخل طلایی انتخاب شده است. فرهادی با فیلمی که سال گذشته در فرانسه ساخته در این رقابت شرکت کرده است؛ باید با چهره‌ها و کارگردانان شناخته شده سینما رقابت کند. رومن پولانسکی، برادران کوئن، استیون سودربرگ، پائولو سورینتو و... رقبایی که مانند فرهادی در ویترین افتخاراتشان معتبرترین جوایز سینمایی را دارند. فرهادی نیز آمده است تا با نخل طلایی کن افتخارات خود را کامل کند. حضور فرهادی در بخش اصلی جشنواره «کن» گمانه‌ای بود که از مدتی پیش به گوش می‌رسید و هفته گذشته نیز سایت «سینمای ما» خبر آن را درج کرده بود. احتمالی که سرانجام تیه‌ری فرمو و ژیل ژاکوب مدیرعامل و رییس جایزه «کن» در نشست خبری این جایزه آن را تایید کردند. تیه‌ری فرمو در این نشست که روز پنجشنبه در سالن سینمایی نورماندی پاریس در خیابان شانزه‌لیزه برگزار شد به طور رسمی نام فیلم‌های راه یافته در این دوره از جشنواره «کن» را اعلام کرد. به گزارش اسکرین دیلی، فرمو در این نشست گفت: «۱۸۵۸ فیلم بلند از سراسر جهان متقاضی شرکت در این جشنواره بودند که ۱۹ فیلم نامزد دریافت جایزه اصلی شدند.» ژاکوب هم در این نشست گفته است که همه ما می‌دانیم که جشنواره کن هر ساله تغییر می‌کند و یک پوستر تازه و هیات‌های داوری تازه آثار را داوری می‌کنند اما هدف اصلی ما که حمایت از کارگردانانی است که در خطر هستند؛ ثابت است. هنرمندانی مثل آندری تارکوفسکی در دهه ۷۰. به گفته او امسال در این جشنواره هنرمندانی از سراسر جهان آمده‌اند تا با نام سینما گفت‌وگو کنند.

رقبا و فیلم‌ها

بخش اصلی جایزه «کن» که در تغییرات بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۵ به عنوان جایزه اصلی برگزیده شد، یکی از معتبرترین جوایز سینمایی است که دریافت یا نامزدی آن می‌تواند افتخار زیادی برای فیلمساز داشته باشد. از ویژگی‌های این جشنواره خصوصی آن است که فیلم باید با نخستین پخش عمومی‌اش در آن شرکت کند. به همین علت پیش از برگزاری جشنواره تنها از شواهد و براساس گمانه‌ها می‌توان رقبا را با هم سنجید. ریاست هیات داوران این دوره از جشنواره فیلم «کن» را استیون اسپیلبرگ فیلمساز شناخته‌شده هالیوود بر عهده دارد. با اینکه یک ماه تا آغاز این جایزه در شهر ساحلی «کن» مانده است اما برخی گمانه‌زنی‌ها درباره فیلم‌هایی که در بخش اصلی نامزد شده‌اند وجود دارد. براساس نظر منتقدان معتبر در شصت‌وششمین جشنواره فیلم «کن» که با فیلم خارج از مسابقه «گتسبی بزرگ» باز لورمان و اجرای آدری توتو آغاز می‌شود، فیلم «گذشته» اصغر فرهادی از بخت‌های اصلی دریافت نخل طلایی است. جایزه‌ای که پیش از این یک‌بار به عباس کیارستمی و فیلم طعم گیلاس رسیده است. فیلم فرهادی که با بازی برنیس برژو، علی مصفا و طاهر رحیم با فیلمبرداری محمود کلاری ساخته شده است؛ داستان مردی ایرانی است که بعد از اختلاف طولانی با همسر فرانسوی‌اش برای تقاضای طلاق می‌آید و می‌بیند که همسرش با مرد دیگری زندگی می‌کند. این فیلم که بعد از فیلم پر افتخار «جدایی نادر از سیمین» ساخته شده، یکی از بخت‌های اصلی جایزه اسکار ۲۰۱۴ هم هست و خیلی از منتقدان با دیدن تریلر آن از خلق یک شاهکار خبر می‌دهند. شاهکاری که قرار است بین ۱۵ تا ۲۶ می برای نخستین‌بار در جشنواره «کن» به نمایش درآید. فرهادی که آمده ویترین افتخاراتش را بعد از جایزه اسکار، گلدن گلوب، خرس طلایی برلین، جایزه آسیا پاسفیک و جایزه سزار با نخل طلایی کن تکمیل کند، باید با رقبای سرسختی رقابت کند که سرشناس‌ترین آنها پولانسکی، سودربرگ و برادران کوئن هستند که نخل طلایی را در کارنامه خود دارند. پولانسکی سال گذشته با فیلم کشتار شرکت کرده بود، امسال هم نمایشنامه «ونوس در پوست خز» دیوید آیوز، نمایشنامه‌نویس آمریکایی را به کن آورده است. کمدی سیاه «ونوس در پوست خز» در جوایز تونی ۲۰۱۲ که ژوئن پیش برگزار شد، نامزد جایزه بهترین نمایش بود و جایزه بهترین نقش‌آفرینی یک بازیگر زن نقش اصلی را برای نینا آریاندا به همراه داشت. در این فیلم مانوئل سینیه همسر پولانسکی و همچنین لویی گارل هم بازی می‌کنند. استیون سودربرگ که در سال ۲۰۰۰ برای فیلم «نوار ویدیویی» لقب جوان‌ترین کارگردانی که جایزه نخل طلایی کن را کسب کرد و به‌تازگی فیلم عوارض جانبی را اکران کرده است؛ امسال با «پشت چلچراغ» در این جایزه شرکت کرده است. او که مدتی پیش اعلام کرد می‌خواهد از دنیای سینما خداحافظی کند، امسال پرکارتر از همیشه ظاهر شده است. جوئل کوئن و ایتن کوئن دو برادر فیلمساز آمریکایی امسال با درون لوین لوییس در این جشنواره شرکت کرده‌اند. این دو برادر نیز علاوه بر اسکارهای متعدد در سال ۱۹۹۱ جایزه نخل «کن» را با بارتون فینک دریافت کردند. فرانسوا اوزون با «فقط ۱۷»، نیکلاس ویندیک رفن با «فقط خدا می‌بخشد» و پائولو سورنتیو با «زیبایی بزرگ» از دیگر رقبای فرهادی هستند. اما در کنار اینها در بخش نوعی نگاه که جین کمپیون ریاست آن را بر عهده دارد، محمد رسول‌اف با فیلم «ناشناخته» با سوفیا کوپولا رقابت می‌کند. علی عسگری با «بیشتر از دو ساعت» و نوید دانش با «دوئت» دیگر ایرانی‌هایی هستند که در شهر ساحلی کن به رقابت می‌پردازند.

براساس نظر منتقدان معتبر در شصت‌وششمین جشنواره فیلم «کن» که با فیلم خارج از مسابقه «گتسبی بزرگ» باز لورمان و اجرای آدری توتو آغاز می‌شود، فیلم «گذشته» اصغر فرهادی از بخت‌های اصلی دریافت نخل طلایی است. جایزه‌ای که پیش از این یک‌بار به عباس کیارستمی و فیلم طعم گیلاس رسیده است

عکس روز

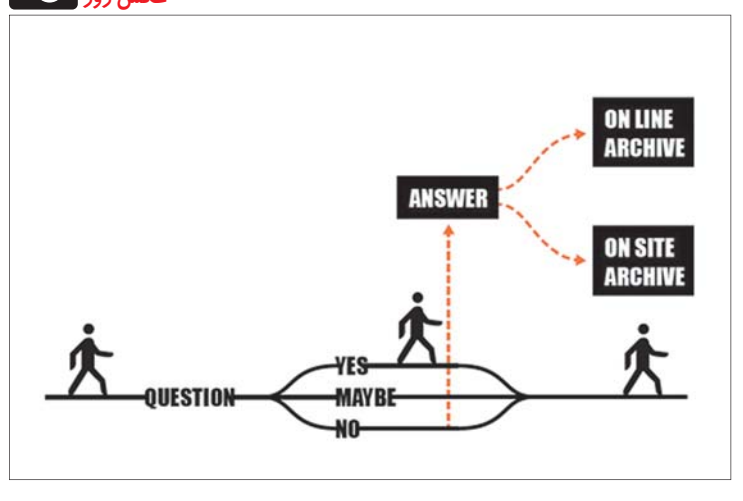

پنجمین دوسالانه طراحی گوانگ‌ژو در کره‌جنوبی با اعلام حضور چند هنرمند شاخص جهانی فعالیت‌های خود را برای برگزاری هرچه بهتر این گردهمایی آماده می‌کند. موضوع یکی از بخش‌های مهم این دوسالانه که در تابستان امسال برگزار می‌شود، حماقت و دیوانگی و نقش این دو موضوع در هنر و ادبیات است. آثار مفهومی و چیدمان چهره‌های مهمی چون ای وی هنرمند معترض چینی و نیز رم کول‌هاس معمار ساختارشکن هلندی و اینگو نیرمان نویسنده در این گردهمایی بزرگ در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت.

گزارش روز

عکس: مهدی حسنی، شرق

«سعدی افشار» درگذشت

تنهایی آخرین «سیاه»

فرزانه ابراهیم‌زاده: تنها بود. مثل نقشی که همه سال‌های عمرش از ۱۰، ۱۲ سالگی تا چند وقت پیش که بیماری او را از پا بیندازد، روی صحنه بازی کرد. نقشی که جوانی، سلامت و زندگی‌اش را پای آن گذاشت. سعدالله رحمت‌خواه را هم ما با یک اسم و لقب می‌شناختیم. اسمی که خودش انتخاب کرده بود. سعدی افشار و لقبی که ما به او داده بودیم: آخرین بازمانده سنت نمایش آیینی سنتی تخته‌حوضی. «سعدی افشار» هم رفت و نگذاشت فروردین پر از خبر درگذشت ۹۲ به پایان برسد. در نیمه‌روز جمعه ۳۰ فروردین ۱۳۹۲خورشیدی بعد از سال‌ها تحمل درد و بیماری و تنهایی در سن ۷۹ سالگی درگذشت. همان‌طوری که آرزو داشت در خانه کوچکش در خیابان «شیخ‌هادی» روبه‌روی پارک، همان پارکی که سال‌ها بود تنهایی‌هایش را با پیرمردهایش تقسیم کرده بود: وقتی خبر آمد مثل چند بار دیگر باور نکردیم. گمان بردیم که این شوخی مرگ سعدی افشار باز تکرار شده است و خبر به زودی تکذیب می‌شود. اما خبری که خبرگزاری ایسنا روی خروجی خود گذاشته بود زودتر از آنچه فکر می‌کردیم تایید شد. سرانجام پیرمرد بعد از این همه خبر بیماری و بستری شدن در بیمارستان رفت و تئاتر ایران را در سوگ خود عزادار کرد. دو سال گذشته بیشتر خبرهایی که درباره سعدی افشار بود، خبر بیماری بود. پوکی استخوان، مشکلات ریوی، شکستگی‌های پی‌درپی، کهولت سن، تنهایی، نداشتن کسی که کارهایش را انجام دهد، نداشتن درآمد ثابت و... همه عواملی بود که پیرمرد تنهای تئاتر را از پای درآورد. هرچند که در این مدت بیماری، بودند جوانانی که دورش را تنها نگذاشتند و بی‌هیچ چشمداشتی کمک می‌کردند. بودند هنرمندانی که برای داروهایی که هرکدام چند میلیون تومان بود، گلریزان انجام دادند. اما سعدی افشار تنها بود از کودکی تا مرگ. سال ۸۴ که برای نخستین بار در خانه‌اش با او گفت‌وگو کردم، این نکته را گفت. آن روزها همسرش که تنها فامیلش بود زنده بود، گفت: «متولد سال ۱۳۱۳ هستم و سال ۱۳۳۰ برای اولین بار در نقش سیاه روی صحنه رفت» می‌گفت: پدرش را در سال‌های کودکی از دست داده بود و تنها کسی که برایش ماند مادری بود که با کار سخت او را به سن نوجوانی رسانده بود. سعدی اما جذبه بسیاری داشت. دیدن مهدی مصری در نقش سیاه او را مجذوب خودش کرد و وی را از کارگری صحنه به روی صحنه کشاند. می‌گفت: «نمی‌دانم شانسم بود که مردم بازی‌ام را دوست داشتند یا استعداد که توانستم موفق باشم.» اما اگر مثل من سعدی افشار را در ۶۷ سالگی روی صحنه دیده بودید باور می‌کردید که هم اینها بود که باعث شد آن بچه بی‌نام و نشان پایین شهر تهران تنها میراث‌دار هنرمندانی شود که حاضرجوابی و بداهه‌گویی‌ها و بازی بدون اغراقشان آنها را در دل مردم جای می‌داد. سعدی اما این سال‌ها با وجود بیماری‌های پی‌درپی نگذاشت صحنه خالی شود. سال گذشته در صحنه‌ای از نمایش در حالی که روی صندلی چرخدار بود، نقش سیاه را بازی کرد. چند وقت پیش هم یکی از آثارش به نام فیس‌پوک به روی صحنه رفت. اما انگار بیماری سرسخت‌تر از او بود و حالا بعد از ۱۰ سال و با شنیدن خبر درگذشتش به این فکر می‌کنم که به هیچ کارش نیامد، جز مرگی در تنهایی.

بوم سفید

فروش ۱۹ اثر در شب دوم «کریستیز»

● **شرق:** ۸۵درصد آثار شب دوم چهاردهمین حراج کریستیز به فروش رفت اما همچنان که انتظار می‌رفت رقیبی برای فروش یک‌میلیون‌دلاری «فرهاد مشیری» در شب نخست پیدا نشد و عنوان رکورددار این دوره به یک هنرمند ایرانی تعلق گرفت. ساعت هفت بعدازظهر ۱۷آوریل ۲۰۱۳ (۲۸ فروردین ۱۳۹۲) سالن «گودولفین» امارات تاورز دوبی صحنه برپایی شب دوم حراج کریستیز در چهاردهمین دوره‌اش بود؛ شبی که اعداد فروش از ۱۴۰هزاردلار بالاتر نرفت و با وجود اینکه چهار فروش بالای این شب از آن عرب‌ها شد اما ۱۹ اثر از ایرانی‌ها به فروش رسید که در این میان آثار «حسین زنده‌رودی»، «فرهاد مشیری»، «پرویز تناولی»، «کوروش شیشه‌گران»، «رکنی حائری‌زاده»و « علی شیرازی» فراتر از قیمت‌های پیشنهادی کاتالوگ حراج با بیشترین افزایش فروخته شدند. در این شب که باز هم «رضا کیانیان» میهمان ویژه حراج بود، اثر مرحوم «کیالی» هنرمند سوری ۱۴۰هزاردلار، «صفوان داهول» هنرمند دیگر سوری

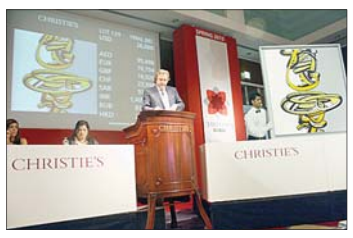

۱۱۸هزاردلار، اثر « پل گریگوسیان» لبنانی ۱۱۲هزاردلار و «ایمن بعلبکی» هنرمند جوان لبنانی ۱۰۶هزاردلار به فروش رسید. اما سرآمد فروش هنرمندان ایرانی در این شب، نقاشیخطی با عنوان ابیانه اثر «حسین زنده‌رودی» بود که ۸۱هزار و ۵۰۰دلار به فروش رسید. رکورد دیگر این شب به نقاشی بسیار کوچک ۳۰ در ۳۰ سانتیمتری فرهاد مشیری تعلق گرفت که پرتره یک مرد در زمینه قرمزرنگ بود و تقریبا چهار برابر قیمت پایه، ۴۵هزاردلار فروخته شد. نقاشی «رکنی حائری‌زاده» ۴۴هزاردلار، اثری از «کوروش شیشه‌گران» ۳۲هزار و ۵۰۰دلار، نقاشیخطی از «نصرالله افجه‌ای» ۳۰هزاردلار و اثری از «مسعود عربشاهی» ۲۲هزار و ۵۰۰دلار به فروش رسیدند. سه مجسمه کوچک از «پرویز تناولی» به‌رغم ابعاد بسیار کوچکشان با فروش‌های خوبی همراه شدند: اثر برنزی «پیامبر عشق» ۳۵هزاردلار، اثر سرامیکی بسیار زیبا و فانتزی «پرنده آبی» ۲۷هزار و ۵۰۰دلار و کار سرامیکی دیگری که نامی نداشت اما فیگور حیوانی را به نمایش می‌گذارد ۲۲هزار و ۵۰۰دلار خریداری شدند.